

# دوره‌ی تعارض و سازش: واکاوی اجرای مهریه در میان زنان مراجعه‌کننده به دادگاه شهر بابک

مهناز فرهنگد،<sup>۱</sup> زهرا فلک‌الدین،<sup>۲</sup> فاطمه قربانی<sup>۳</sup>

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۲۵۸-۱۱۸۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۳۷۳-۸۴۸۰-۰۰۰۱-۰۰۰۰

## چکیده

اجرای مهریه، یکی از مشکلات پرشمار خانواده‌های ایرانی است که زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گسترش آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. هدف پژوهش حاضر، واکاوی اجرای مهریه در میان زنان مراجعه‌کننده به دادگاه شهر بابک بود که داده‌ها با ۲۶ نفر از آنان از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد و با روش نظریه زمینه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که زنان از مهریه دو برداشت متفاوت دارند؛ برخی از مهریه به‌عنوان اتمام حجت استفاده می‌کنند تا مردان را به زندگی زناشویی برگردانند و مانع جدایی شوند. برخی نیز با مهریه مردان را تحت فشار قرار می‌دهند تا طلاق بگیرند یا به‌جای دریافت مهریه حضانت فرزندان از آن خود کنند. بسترهایی مانند پشتوانه اقتصادی به‌مثابه ترس از آینده و روابط نامناسب در جامعه، زمینه را برای گرفتن مهریه فراهم می‌کنند و عواملی مانند باورهای عامیانه، حق مشروع و فضای تنش‌زا، باعث به‌اجرا گذاشتن مهریه در زندگی زناشویی می‌شوند.

پدیده برساخت‌شده پژوهش، «رهایی عامدانه و بازگشت عامدانه» است که برجسته‌ترین وجه ادراکی مصاحبه‌شوندگان به شمار می‌رود و گونه‌ای کشمکش دائمی را در آن‌ها ایجاد کرده است. پیشنهاد پایانی پژوهش، شکل‌گیری گفتمان کنش ارتباطی صحیح توسط خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از جمله مراکز مشاوره، آموزش و پرورش و رسانه‌ها و... در جامعه است.

واژگان کلیدی: مهریه، زنان، تعارض و سازش، دوره‌ی، شهر بابک

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول) / farahmandm@yazd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد / zahra.falakodin93@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد / fatemehghorbani02016@gmail.com

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۹

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۷۹-۱۹۹

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

کابین یا مهریه<sup>۱</sup>، یک واقعیت و برساخت اجتماعی است که نقش برجسته‌ای در حمایت از زنان متأهل در مواقع سختی بازی می‌کند. (پالکار، ۲۰۰۳: ۱۸۵). از دیرباز مهریه به عنوان هدیه و پیشکشی مطرح بوده که در آستانه ازدواج از سوی مرد به زن داده می‌شود و از عواملی است که می‌تواند در شروع لذت بخش زندگی مشترک مؤثر باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴). مهریه، حق کامل زن بر شوهر است که مسئولیت تهیه و پرداخت آن با اوست و بدین ترتیب مهر مالکیت شخصی زن پنداشته می‌شود. امروزه در مجموعه حقوقی مرتبط با زنان و مردان، مهریه کارکردهای جدیدتری یافته و سبب گردیده است در هنگام بروز شرایط دشوار و مشکل‌زا، از ماهیت واقعی و کارکرد اصلی خود دور افتد و به مثابه ابزاری برای رفع نابرابری‌های موجود (هواخواه، ۱۳۹۴: ۲) و حربه‌ای برای روز مبادا (سیدمیرزایی و رئوف، ۱۳۸۸: ۱۴۸) تلقی شود.

علاقه افراد به خودنمایی، استفاده از مهریه به عنوان ابزار دفاعی به وسیله زنان برای رویارویی با خودکامگی احتمالی مردان، نبود تأمین اجتماعی بایسته برای زنان، ضعف اخلاق عمومی و... باعث رواج مهریه‌های نامتعارف شده است (هواخواه، ۱۳۹۴: ۳). در بسیاری از اختلافات خانوادگی، مهریه به عنوان ابزاری در دست زن است که با مطالبه آن به نوعی از مرد تلافی جویی می‌نماید؛ درعین حال بسیاری از زنان بدون این که کمترین کدورتی در زندگی داشته باشند، به محاکم قضائی مراجعه و مهریه خود را مطالبه می‌کنند (سیدمیرزایی، رئوف، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

هم‌اکنون، پرونده‌های بسیاری درباره مهریه در دادگاه‌های خانواده مطرح است و در سال‌های اخیر مطالبات مهریه افزون بر هنگام طلاق، در زمان زندگی مشترک نیز افزایش یافته است.

نتیجه این وضعیت، افزایش کشمکش در میان زن و شوهرها و حتی نوعروسان و تازه دامادها و افزودن بر تعداد زندانیان ناتوان از پرداخت مهریه بوده و بنیان خانواده‌ها را دچار تزلزل نموده است (سیدمیرزایی و رئوف، ۱۳۸۸: ۱۴۸). از سوی دیگر رواج این باور که «مهریه پرداختنی و گرفتنی نیست»، سبب شده روزه روز به روز بر میزان مهریه‌ها افزوده شود و پیامدهای مختلفی را رقم زند (سیدمیرزایی و رئوف، ۱۳۸۸: ۱۴۸). اگرچه آمار و ارقام دقیقی درباره تعداد و میزان اجرای مهریه و تعداد محبوسان آن در دسترس نیست، ولی آمار غیررسمی در دسترس (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که در تفکیک زندانیان جرائم غیرعمدی، محکومان مالی پیشرو هستند و در این بین زندانیان مهریه و نفقه با ۴۱۹۴ بدهکار، بیشترین آمار کمی را به خود اختصاص داده‌اند. استان فارس با ۵۱۴ زندانی و سپس استان‌های تهران و اصفهان بیشترین زندانی مهریه؛ و استان خراسان شمالی با ۲۷ زندانی و سپس استان‌های کرمانشاه، سمنان و خراسان جنوبی کمترین محبوس مهریه را دارند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۹).

به تعبیر برخی جامعه‌شناسان، در میان تغییرات و تحولاتی که این روزها در جریان است، اهمیت

1. Mahr

2. Palkar

هیچ‌کدام به اندازه رخدادهایی نیست که در زندگی شخصی، روابط جنسی، زیست عاطفی-فکری، انتظارات و تمنیات، ازدواج، خانواده و موقعیت زنان در حال وقوع است (گیدنز، ۲۰۰۳: ۳). این دگرگونی‌ها به‌گونه‌ای است که تغییر کارکرد مهریه و کالایی شدن آن را رقم زده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که عدم تعهد خانوادگی، مشاجرات زناشویی، خیانت همسر، ازدواج زودهنگام، توقعات غیرواقعی، عدم برابری در روابط، عدم آمادگی برای ازدواج و چشم‌وهم‌چشمی، از دلایل شکل‌گیری اجرای مهریه است (دوهرتی، ۲۰۱۵: ۴۴). یک نظرسنجی اخیر، شایع‌ترین انگیزه‌های اجرای مهریه را خیانت، ناسازگاری، مصرف مواد مخدر، مشکلات شخصیتی، خلأ ارتباط، سوءاستفاده جسمی یا روحی و ازبین رفتن عشق برشمرده است. (هاسون و البورگ، ۲۰۱۶: ۳)

به مقتضای این ادعا، اشتغالات برون‌خانگی زنان و امکان ایفای نقش‌های متنوع در عرصه‌های اجتماعی و دریافت پاداش‌های مناسب، آنان را بیش‌ازپیش به ارزش استعدادها، کارایی‌ها و نقش خود آگاه نموده است. این خودآگاهی، زنان را همانند مردان سوداگر و محاسباتی می‌نماید؛ بنابراین آنچه زن و وابستگان او را به مطالبه مهریه برمی‌انگیزد، عدم تفاوت روشن میان دو محیط کار و خانه است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند می‌توان از اجرای مهریه در کسب ثروت و سرمایه‌گذاری بهره جست، چراکه راه‌های دسترسی به ثروت برای مردان و زنان متفاوت است و درخواست مهریه یکی از این راه‌های استقلال اقتصادی زنان است. دیدگاه‌هایی از این قبیل، مبین رقابت با مردان در دستیابی به منابع مادی است. (هواخواه، ۱۳۹۴: ۲).

از این رو، اجرای مهریه بارزترین ویژگی تغییر در نهاد خانواده است. برخی این موضوع را نشانه‌ای از اختلال اجتماعی و اخلاقی با پتانسیل خردکردن نهاد خانواده و پایه‌های خود جامعه می‌دانند. برخی دیگر این روندها را نشانه افزایش آزادی فردی و سست شدن معضلات خفه‌کننده اجتماعی خوانده‌اند (هارکونن، ۲۰۱۴: ۴). برخی اجرای مهریه را ابزار جاه‌طلبی و زیاده‌خواهی زنان در نظر می‌گیرند و برخی دیگر آن را عامل رهایی و استقلال فردی زنان تلقی می‌کنند. بر پایه آمار، تعداد ۹۳ هزار و ۷۱۱ فقره پرونده اجرای مهریه در سال ۱۳۹۹ در کل ایران ثبت شده که این میزان در مقایسه با آمار سال پیش از آن که تعداد ۶۷ هزار و ۸۱ فقره بوده، حاکی از رشد ۴۰ درصدی است. استان کرمان در دو سال اخیر بیشترین آمار زندانیان مهریه در کل ایران را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که نیمی از زندانیان غیر عمد کرمان را بدهکاران مهریه تشکیل می‌دهند. بر این اساس، شکل‌گیری مسئله این پژوهش به منظور فهم این بود که زنان مراجعه‌کننده به دادگاه شهر بابک، چه انگیزه‌ای از اجرای مهریه دارند؟ شرایط علی و زمینه‌ای اجرای مهریه چیست؟ نحوه مواجهه آنان با این مسئله چگونه است؟

1. Giddens
2. Doherty
3. Hansson & Ahlberg
4. Härkönen

## پیشینه پژوهش

مطالعات کمی و توصیفی بسیاری در ارتباط با مهریه و اجرای مهریه انجام شده است. به همین منظور پژوهش حاضر، با نظریه واکاوی و تحلیل چرایی اجرای مهریه نزد زنان، به چند نمونه از این پژوهش‌ها در ادامه اشاره دارد.

سفیری و همکاران (۱۳۸۷)، پژوهشی با عنوان «برساخت اجتماعی و فرهنگی مسئله اجرای مهریه در ایران» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان درگیر با مسئله اجرای مهریه، روایت‌های گوناگونی از این موضوع و همچنین انگیزه‌های خود در به اجرا گذاردن آن دارند و مهریه را به مثابه ابزاری برای دستیابی به حقوق نانوشته خود تلقی می‌کنند. یافته‌های به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی در پژوهش قلی‌زاده و غفاریان (۱۳۹۰)، با عنوان «آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن»، نشان داد که مهریه سبب ایجاد آسیب‌های خانوادگی، آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌های اقتصادی و آسیب‌های فرهنگی می‌شود. همچنین، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی در حد متوسط بروضعیت مهریه مؤثر بوده‌اند.

توسلی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش به مهریه در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای اعتماد اجتماعی، عرف، تحصیلات، پایبندی به ارزش‌های دینی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، رسانه‌های جمعی، جنسیت، همسالان و سن، ۶۵٪ از نگرش افراد در خصوص کارکردهای مهریه را تبیین می‌کنند. مطالعه یانگ و هاسان<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در زمینه «درخواست مهریه و خشونت خانوادگی»، نشان می‌دهد که درخواست مهریه و خشونت خانوادگی در بین پنج جرم اصلی از جمله جرائم خشونت‌آمیز و بدون خشونت، از رتبه اول برخوردار است. در بین خانوارهایی که انواع مختلفی از جنایات خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز را تجربه کرده‌اند، ۵۵٫۹٪ مهریه و ۷۰٫۸٪ از قربانیان خشونت خانگی را گزارش کردند.

اندرسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «اقتصاد مهریه و قیمت عروس»، معتقد است که پرداخت مهریه بین خانواده‌ها در زمان ازدواج، در طول تاریخ اکثر کشورهای توسعه یافته وجود داشته و هم‌اکنون در بسیاری از مناطق در حال توسعه فراگیر شده است. این پرداخت‌ها می‌تواند برفاه زنان و توزیع ثروت جامعه تأثیر بگذارد. آماتو و پرویتی<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «دلایل طلاق افراد: جنسیت، طبقه اجتماعی، دوره زندگی و تعدیل»، به بررسی علل پایان ۲۰۸ واقعه ازدواج پرداختند. خیانت، ناسازگاری، نوشیدن الکل یا مصرف مواد مخدر، از جمله دلایل اِزهم‌پاشیدگی زندگی زناشویی بود. مطابق یافته‌های این پژوهش، دلایل خاص مردم برای طلاق با متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی و مسیر زندگی متفاوت بوده است.

1. Young &amp; Hassan

2. Anderson

3. Amato &amp; Previti

با توجه به پیشینه‌های یادشده، مقوله درخواست مهریه توسط زنان در بسیاری از کشورها وجود دارد و مشکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی را برای جوامعی همچون کشور ایران، ایجاد کرده است. اگرچه کشورها آن طور که به نظر می‌رسد در پی راهی برای حل این معضل هستند، ولی هنوز نتوانسته‌اند به طور منطقی و قانونی بر آن فائق آیند و به طور اساسی به این مسئله در خانواده‌ها پایان بخشند.

## ۲. مبانی نظری

اسکانزونی<sup>۱</sup> (۱۹۷۲)، از جمله نظریه پردازانی است که در مکتب تضاد، در زمینه کشمکش بین همسران کارکرده است. وی از دو نوع کشمکش صحبت می‌کند: ۱. کشمکش اصلی در قوانین بازی؛ ۲. کشمکشی که اساسی و بنیادی نیست و دلیلش ناشی از خستگی از قوانین بازی است. اسکانزونی به نقش‌ها و هنجارهای خانواده به عنوان حاکمیت یک مبادله میان وظایف مؤثر و سودمند شوهر به منظور بیان حقوق و همچنین وظایف بیانی زن برای رسیدن به حقوق مؤثر و سودمند توجه می‌کند. به این شکل متقابل و دوسویه حقوق شوهر، وظایف زن و حقوق زن، وظیفه شوهر است. به عقیده او، زن حق دارد از شوهر خود انتظار داشته باشد که نیازهای مادی او و خانواده را فراهم کند و شوهر نیز حق دارد از همسر خود، انتظار برآورده شدن نیازهای عاطفی و جنسی را داشته باشد. البته انتظار مرد در این رابطه بر انتظار و خواسته‌های زن ترجیح دارد. بنابراین به نظر می‌رسد ایجاد تعارض در خانواده بین همسران، می‌تواند دو دلیل داشته باشد: ۱. زمانی که یکی از زوجین در انجام وظایف و برآوردن نیازها و انتظارات همسرش کوتاهی کند؛ ۲. زمانی که نقش‌های اصلی و سنتی زن و مرد در خانواده بدون آگاهی‌رساندن کافی به زوجین و ایجاد بستر مناسب تغییر پیدا کند (موحد و عزیز، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۹).

رویکرد مک مستر<sup>۲</sup> در مورد ارزیابی خانواده، بر رویکرد سیستمی استوار است و بر ارتباط بین بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، قابل درک نبودن یک بخش جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و کارکرد خانواده تأکید دارد. وی ابعاد مهم عملکرد اعضای خانواده را شامل حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بیان می‌کند. تمام خانواده‌های دارای عملکرد ضعیف، در زمینه موضوعات عاطفی مشکل دارند و اغلب از طی فرایند حل مسئله عاجزند. در این خانواده‌ها، ارتباطات نادیده گرفته می‌شود و یا فاقد صلاحیت است؛ تخصیص و پاسخ‌دهی نقش، مشخص و واضح نیست؛ گستره واکنش‌های هیجانی محدود است؛ و کمیت و کیفیت این واکنش متناسب با بافت و محیط، غیرعادی است. در عین حال، اعضای خانواده به یکدیگر علاقه‌ای ندارند و در مورد یکدیگر، اقدام به سرمایه‌گذاری عاطفی نمی‌کنند (موسوی، ۱۳۹۱: ۴۰۳-۴۰۲).

1. Scanzon

2. McMaster

نظریه انتخاب عقلانی ترنر، بر این فرض استوار است که انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاصی از مؤثرترین وسایل برای نیل به اهداف خود دارند. از نظر او، انسان‌ها هدف‌دار و هدف‌جو و دارای مجموعه‌ای از ترجیحات با منافع‌اند که به شکل سلسله‌مراتبی تنظیم یافته‌اند؛ و در گزینش مسیرهای رفتاری خود، به اشکال مختلف به محاسبه عقلانی می‌پردازند. بهترین راه بیشینه‌سازی منافع، از طریق بازتولید پدیده‌های اجتماعی چون ساختارهای اجتماعی، تصمیم‌های جمعی و نیز رفتار جمعی است. نتیجه انتخاب‌های عقلانی، افرادی است که به دنبال افزایش سودند و پدیده‌های اجتماعی نوظهوری که از انتخاب‌های عقلانی ناشی می‌شوند، مجموعه‌ای از عوامل را برای انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد فراهم می‌کند؛ به نحوی که عوامل تعیین‌کننده‌ای چون توزیع منابع در میان افراد و همچنین توزیع فرصت‌ها برای مسیرهای مختلف رفتار و توزیع و نوع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت را مدنظر دارند. در نظریه انتخاب عقلانی، بر تعیین مسیرهای عقلانی کنش در شکل انتزاعی آن و سپس مقایسه رفتار واقعی انسان‌ها با آن کنش تأکید بیشتری می‌شود. این مقایسه‌ها نشان می‌دهد با شناخت دقیق منافی که کنشگران تعقیب می‌کنند و نیز تلفیق منابع و محدودیت‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، می‌توان کنش آن‌ها را پیش‌بینی یا تبیین نمود. نظریه انتخاب عقلانی، اغلب تأثیرات کنش متقابل بر نظام اجتماعی کل را مورد توجه قرار می‌دهد. (مقدس و اسلام، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

در جمع‌بندی نظریات مطرح‌شده می‌توان بیان کرد تضاد و پایان زناشویی در خانواده زمانی رخ می‌دهد که طرفین در ایفای نقش‌ها و هنجارهای زندگی زناشویی به درستی عمل نکنند؛ در زمینه موضوعات عاطفی دچار کاستی شوند؛ از طی فرایند حل مسئله عاجز شوند و توانایی حل مشکلات را با کنش ارتباطی صحیح نداشته باشند. بدین ترتیب درگیر تعارض و کشمکش می‌شوند و به جدایی و طلب مهریه می‌اندیشند و کنشی عقلانی را انتخاب می‌کنند که بیشترین سود را برای آنان داشته باشد؛ به طوری که در هنگام جداشدن از شریک زندگی خود نیز گرفتن مهریه و حضانت فرزند را سودمندتر از ادامه زندگی با شریک زندگی خود می‌دانند.

### ۳. روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی انجام شده است. استراتژی فاز کیفی پژوهش حاضر، برمبنای راهبرد گردن‌توری استراس و کوربین (نظریه داده‌بنیاد) عملیاتی گردید. در این روش، نظریه برمبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌های پژوهش شکل می‌گیرد. این راهبرد بر سه عنصر مفاهیم (واحد‌های بنیادی تحلیل)، مقوله‌ها (طبقه‌بندی مفاهیم) و قضیه‌ها (بیانگر رابطه بین مقوله و مفاهیم) استوار است. در این روش محقق به طور هم‌زمان با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نسبت به تحلیل اطلاعات و رابطه بین مؤلفه‌ها اقدام می‌کند. سپس با کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، ضمن ایجاد یک چهارچوب تفهیمی در خصوص رابطه بین مؤلفه‌ها، در راستای تدوین مدل کیفی پژوهش پیش می‌رود (استراس و کوربین، ۱۳۹۰).

جامعه هدف این پژوهش، زنانی هستند که با انگیزه به اجرا گذاشتن مهریه‌های خود به دادگاه شهر بابک مراجعه کرده و تشکیل پرونده داده‌اند و در عمل با مسئله اجرای مهریه مواجه هستند. برای دسترسی به میدان مطالعه، هماهنگی‌های لازم با افراد متمایل به همکاری و مشارکت در تحقیق انجام شد. با توجه به این‌که روش تحقیق نظریه زمینه‌ای بود و مصاحبه‌شوندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت.

سؤالات مرتبط با پژوهش حاضر که اهداف اصلی تحقیق دنبال می‌کرد، این بود که آگاهی و فهم زنان از مهریه چگونه است؟ انگیزه زنان از به اجرا گذاشتن مهریه خود چیست؟ آتیه اجرای مهریه از دید زنان چگونه است؟ پیامدهای اجرای مهریه از دید جامعه هدف چگونه است؟ با توجه به پاسخی که مشارکت‌کنندگان می‌دادند، خرده‌سؤالاتی نیز در کنار سؤالات اصلی حین مصاحبه نیز از سوی محقق مطرح می‌شد.

مصاحبه‌ها با آگاهی شرکت‌کنندگان ضبط و سپس با رعایت اصول اخلاقی پژوهش و با تبعیت از اصل ناشناس ماندن شرکت‌کنندگان (استفاده از اسامی مستعار)، پیاده‌سازی شد. هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تحقیق با انجام ۲۶ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در مدت ۴ ماه به اشباع نظری رسید. سن و مشخصات زمینه‌ای پاسخگویان و مشارکت‌کنندگان در پژوهش، در جدول شماره ۱ آمده است. داده‌های این بخش به روش کدگذاری نظری، به سه شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. در کدگذاری باز، با غوطه‌ور شدن در داده‌ها به استخراج مضامین و مفاهیم درون مصاحبه‌ها پرداخته شد. در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها در قالب فرایند شرایط، تعاملات و پیامدها طبقه‌بندی شدند. در مرحله آخر، کدگذاری گزینشی به منظور تعیین مقوله هسته صورت پذیرفت و یک مقوله هسته انتخاب گردید.

قبل از انجام تحقیق، برای حصول اطمینان از این‌که سؤالات تحقیق می‌تواند اهداف تحقیق را تأمین کند، پرسش‌های یادشده مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین راجع به بستر تحقیق، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و اخلاق تحقیق نیز در این زمینه به وحدت نظر رسیده شد. به منظور اعتبارسنجی تحقیق، تلاش شد چهار موضوع ذیل در فرایند تحقیق مورد توجه قرار گیرد:

- اعتبارپذیری: انجام دقیق مراحل تحقیق و ارائه دقیق نتایج بدون هیچ سوگیری. تلاش شد یافته‌های تحقیق و مضامین استخراج شده بر اساس محتوای گفته‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش باشد؛
- قابلیت انتقال: دیگر پژوهشگران نیز بتوانند از نتایج تحقیق بهره ببرند. در این جهت تلاش شد تا مضامین مطرح شده به گونه‌ای باشد که سایر مخاطبین نیز معنایی مشابه در این زمینه استنباط کنند و بدین منظور از تأیید اعضای گروه مشارکت‌کننده نیز استفاده شد.
- قابلیت اطمینان: انجام دقیق مرحله به مرحله پژوهش از ابتدا تا انتها.

## جدول شماره ۱: مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

سن	محل سکونت	تحصیلات	شغل	سن همسر	تحصیلات همسر	شغل همسر	فرزند
۳۲	پایین شهر	دیپلم	فروشنده	۲۷	سیکل	بتا	-
۲۵	بالا شهر	لیسانس	مدرس	۳۰	دیپلم	راننده	-
۴۰	وسط شهر	دیپلم	آرایشگر	۴۴	دیپلم	راننده شرکت	۳
۳۱	پایین شهر	دیپلم	معاینه فنی خودرو	۳۶	سیکل	بتا	۱
۴۱	بالای شهر	لیسانس	معاون مدرسه	۴۷	دیپلم	بتا	۱
۳۶	پایین شهر	دیپلم	آرایشگر	۴۲	فوق دیپلم	کارمند	۱
۳۹	بالای شهر	دیپلم	آرایشگر	۴۲	بی سواد	کارگر	۱
۲۲	وسط شهر	دیپلم	فروشنده	۳۳	دیپلم	آزاد	-
۲۵	روستا	دیپلم	خانه‌دار	۳۷	دیپلم	مکانیک	۱
۵۰	پایین شهر	بی سواد	خانه‌دار	۷۰	سیکل	کارگر	۱
۲۹	بالای شهر	فوق دیپلم	خانه‌دار	۳۵	دیپلم	کارگر	-
۳۴	وسط شهر	دیپلم	خیاط	۳۷	سیکل	کابینت‌ساز	۲
۳۶	وسط شهر	دیپلم	آرایشگر	۴۶	فوق دیپلم	برق‌کار	۱
۱۸	پایین شهر	دیپلم	خانه‌دار	۲۸	دیپلم	آزاد	۱
۲۸	وسط شهر	لیسانس	دانشجو	۳۲	دیپلم	بیکار	-
۳۰	پایین شهر	لیسانس	بیکار	۳۴	سیکل	مکانیک	۲
۲۵	پایین شهر	لیسانس	منشی	۲۵	دیپلم	بیکار	-
۵۳	بالای شهر	سیکل	خانه‌دار	۶۳	دیپلم	بیکار	-
۲۷	بالای شهر	فوق لیسانس	دانشجو	۳۶	فوق دیپلم	مکانیک	۱
۲۶	بالای شهر	سیکل	خانه‌دار	۲۸	سیکل	آزاد	۱
۳۵	وسط شهر	لیسانس	مری	۳۸	لیسانس	کشاورز	-
۵۰	وسط شهر	لیسانس	شرکت	۵۲	دیپلم	بیکار	۲
۲۶	بالای شهر	لیسانس	مغازه‌دار	۳۴	سیکل	راننده	-
۲۹	بالای شهر	لیسانس	حسابدار	۳۶	دیپلم	آزاد	۱
۳۸	بالای شهر	فوق لیسانس	کارمند بیمارستان	۴۳	لیسانس	مهندس	-
۲۴	بالای شهر	لیسانس	پرستار	۲۶	سیکل	مکانیک	-



#### ۴. یافته‌ها

جدول شماره ۲: شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای پژوهش

ردیف	مقوله	نوع مقوله
۱	باورهای عامیانه، حق مشروع، فضای تنش‌زا	شرایط علی
۲	پشتوانه اقتصادی به‌مثابه ترس از آینده، روابط نامناسب	شرایط زمینه‌ای
۳	مداخلات محوری، تبعیض قانونی، فرهنگ مردسالار، فرصت‌سوزی و تنبه	شرایط مداخله‌گر
۴	احساس ناخوشایندی، جبران صدمه روحی	پیامدها
۵	کنش سازگارانه، کنش تخریب‌گرایانه	راهبرد کنش
۶	رهایی عامدانه و بازگشت عامدانه	پدیده

#### ۴-۱. عوامل علی

##### ۴-۱-۱. باورهای عامیانه

باورهای نهادینه‌شده در میان زنان درگیر با مسئله اجرای مهریه، در واقع همان کلیشه‌های فرهنگی نقش‌بسته در اندیشه زنان است و تعابیری از این دست که «چه کسی مهریه را داده و چه کسی گرفته»، باعث می‌شود هر کدام از مصاحبه‌شوندگان با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی خود روایت‌های متفاوتی را بیان کنند.

در این میان مقوله کلیشه فرهنگی، نگرش بیشتر زنان درگیر با مسئله اجرای مهریه است که فهم آن را به صورت یک سنت ملی و مذهبی کهن، در قالب تعبیر «کی داده کی گرفته» و «هدیه‌ای بلاعوض» بیان می‌دارند و مقوله ابزار تسریع طلاق را با عبارت «مهرم حلال، جونم آزاد» و «تیری در تاریکی» بیان می‌کنند. برخی نیز بیان می‌دارند که مردان توجهی به الزام آوردن پرداخت مهریه و با همین باورهای عامیانه ازدواج می‌کنند، غافل از این که مهریه حق زن و عندالمطالبه است و باید پرداخت شود:

«...مردان جوشون برای پول در می‌ره، از هر راهی استفاده می‌کنن برای ندادن مهریه. اولین جمله‌ای هم که می‌گن آینه که کی مهریه را داده، کی گرفته یا کی اصلاً می‌خواد مهریه بده و با همین خیال باطل، ازدواج می‌کنن و نمی‌دونن که باید مهریه رو بدن...» (پاسخگوی اول)

«مردان با همین خیال کی مهریه رو داده و کی گرفته که تو جامعه اشاعه پیدا کرده، فکر می‌کنن مهریه مسئله مهمی نیست و می‌تونن پرداخت نکن؛ در صورتی که اشتباست...» (پاسخگوی چهارم)

## ۲-۱-۴. حق مشروع

درک زنان از مهریه، به عنوان حقی قانونی و شرعی است که هرگاه اراده کنند باید پرداخت شود و بدین ترتیب تفسیر زنان از مهریه به عنوان حق مطلق، گویای قطعی بودن و قابل وصول بودن آن است. مفهوم حق نمادین، بیانگر حق بودن مهریه است؛ ولی هنگامی که همسر برای پرداخت نکردن آن دست به هرکاری می زند، مهریه به موضوعی نمادین تغییر شکل می یابد.

با وجود اینکه مرد در زمان ازدواج عندالمطالبه بودن پرداخت مهریه را پذیرفته است و قانون در این زمینه از حق زنان حمایت می کند و مهریه را حق زن می داند، با این حال بازهم روند کارها سریع پیش نمی رود و پیگیری و تلاش زن برای رسیدن به حق را می طلبد. گاهی نیز مردان دارایی خود را به نام نزدیکانشان ثبت می کنند تا از دادن حق مشروع زنان، سرباز زنند:

«... مهریه حق زنه، ولی قانون که نمی ده؛ از کل مهریه ۱۱۰ سکه را می ده. اینم با هزار جور بدبختی و فلاکت، مهریه تنها حق زنه که با دادگاه رفتن می شه بهش دست یافت...»  
(پاسخگوی بیست و چهار)

«... من مهریه رو دین می دانستم که همسرمدیونمه، ولی خانواده همسرمد اصلاً اعتقاد نداشتن و اموالش رو به نام خودشون زدن تا مهریه که حق منه رو ندن، ولی من اونو ازش دارم می گیرم چون حقمه...» (پاسخگوی سیزدهم)

## ۳-۱-۴. فضای تنش زا

روابط پرتنش زناشویی، دل زدگی زناشویی و سرخوردگی، زمینه ساز ایجاد فضای تنش زا در خانواده به شمار می روند؛ با این توصیف، کنشگران سهم مردان را در به وجود آوردن این فضا بیشتر می دانند و ایشان را مقصر قلمداد می کنند؛ زیرا برخی بیکار یا معتاد بوده اند، یا دست بزن داشته و همسر خویش را کتک می زده اند یا به همسر خود و احساسات وی بی توجه بوده و اهل خیانت و خوش گذرانی بوده اند. همچنین دخالت خانواده همسر در زندگی خصوصی زوجین، از دیگر عوامل تنش زا در خانواده است و با توجه به عدم یادگیری کنش ارتباطی و گفت و گوی صحیح درباره مشکلات، همسران روز به روز از هم دور شده اند و به مرحله طلاق و به اجرا گذاشتن مهریه رسیده اند:

«... شوهر من یه آدم خشونت گر، یه آدم خشن به تمام معنا و یه ستمگر بود؛ توی این چند سال زندگی چقدر من رو شکنجه داد، چقدر بهش محبت کردم، کاش قدم رو می دونست؛ ولی اون یه آدم قدرنشناسه، من از همه چیزم گذشتم، از جوونیم از خواسته هام، من رو برد توی شهر غریب، از ارتباط با همه محروم کرد و منو مجبور به کلفتی برای دیگران کرد برای تأمین زندگی ام...» (پاسخگوی اول)

«... همسرمد معتاد بود و شیر و گرد مصرف می کرد و روابط نامشروع با دیگران داشت و به عبارتی دوست دختر داشت و بعضی شبها خانه نمی آمد؛ رفیق باز بود و فحش و ناسزای بد و رکیک می داد...» (پاسخگوی سوم)

## ۴-۲. شرایط زمینه‌ای

### ۴-۲-۱. پشتوانه اقتصادی به مثابه ترس از آینده

کنشگران به دنبال احساس امنیت اقتصادی هستند که پیامد آن پشتوانه اقتصادی است. با توجه به این‌که در بافت اجتماعی، زنان حلقه حساس و شکننده‌تری دارند و در بیشتر موارد مجال زیادی برای تولید ندارند (زیرا بیشترشان خانه‌دارند و وظیفه مراقبت و نگهداری از فرزندان را به عهده دارند)؛ پس برای تأمین مخارج نیاز به نوعی ضمانت دارند. این ضمانت، با پذیرش مسئولیت زن از سوی شوهر یا پدر همراه است تا با داشتن ذخیره مالی و پشتوانه اقتصادی، او را از کار بیرون از خانه بی‌نیاز سازد و یا با پرداخت مهریه‌ای که برای ادامه زندگی‌اش و تأمین نیازهای ضروری و ثانوی وی کافی باشد، زندگی پس از طلاق را برای زنان تأمین کند.

بدین ترتیب زنان مطلقه باید به فکر چالش‌های مالی آینده باشند و نگرانی از تأمین مخارج و ترس از وضعیت اقتصادی در آینده، ایشان را به اندیشه تأمین پس‌اندازی برای آینده و گرفتن مهریه از همسرانشان واداشته است. آن‌ها درخواست مهریه را مرهمی بر رهایی از دغدغه، ترس از دست دادن امنیت مالی و روانی و تأمین حداقل شرایط زندگی مناسب می‌دانند:

«... اون اوایل مهریه‌ام رو گذاشتم اجرا که بتونم طلاقم رو بگیرم، چون خیلی از دست شوهرم ناراحت بودم. قصد اصلی‌ام هم فقط همین بود؛ ولی بعدها که دیدم به هیچ وجه حاضر نیست در حق من گذشت کنه و توی این مدت حتی یه ریال خرجی هم به من نداده و حاضر نیست تکلیف زندگی‌ام رو روشن کنه، تصمیم گرفتم حقم رو ازش بگیرم. آخه شما بگید، من یه زن تنها که پدرم در روستا هست و کس و کار دیگ‌های ندارم، چه طوری باید گلیم خودم رو از آب بکشم بیرون...» (باسخگوی بیست و یکم)

### ۴-۲-۲. روابط نامناسب

کسانی که روند جامعه‌پذیری را به درستی طی نمی‌کنند، در تعامل با اطرافیان مشکل دارند. اینان که قادر به برقراری ارتباط صحیح نیستند و نمی‌توانند به‌طور منطقی گفت‌وگو و مفاهیم کنند، در زندگی زناشویی نیز با مشکل مواجه می‌شوند. عدم بیان احساسات، عدم درک متقابل، عدم حل و فصل منطقی مسائل، بی‌تفاوتی و سردی نسبت به نزدیکان و رفتارهای نامناسب، از جمله مشکلات تعاملی این افراد است.

از دید زنان، برخی مردان به جای روابط متقابل و دوسویه در زندگی و محیط خانواده، نگاهی از بالا و رفتاری بی‌تفاوت و سرد دارند که باعث شکاف در روابط زناشویی می‌شود. کتک‌زدن، دادوبیداد و محدودکردن زن، استراتژی دیگر این قبیل مردان است؛ آنان می‌خواهند سخن خود را به کرسی بنشانند و حس قدرت و بالابودن خود را به رخ زنان بکشند و به جای گفت‌وگو درباره مشکلات و حل و فصل آن‌ها، با دادوبیداد و دعوا سعی در چاره‌گری آن دارند که مایه ایجاد تنش و درگیری در خانواده‌ها می‌شود.

«همسر در مهمانی‌های خانوادگی، منزوی، گوشه‌گیر و کم‌حرف بود مثل یک کلوخ و اصلاً با کسی معاشرت یا صحبتی نمی‌کرد و همیشه تنها بود و حوصله من رو سر برده بود و باعث شد که بخوام ازش جدا بشم» (پاسخگوی پانزدهم)

«همسر در احوال‌پرسی‌هایش دست نمی‌داد یا می‌خواست رد بشه، خودشو گوشه می‌گرفت به من نخوره» (پاسخگوی هفدهم)

### ۴-۳. عوامل مداخله‌گر

#### ۴-۳-۱. مداخلات محوری

مداخلات محوری، دخالت خانواده، دخالت خانواده همسر، تأثیر دوستان و همسالان را در برمی‌گیرد. مداخلات محوری به این معناست که نقش دیگران بر زندگی زنان درگیر با مسئله اجرای مهریه را شامل می‌شود و از مداخلات محوری منفی، دخالت‌های ناروا و هواخواهی‌های غیرمنطقی خانواده همسر است که به مسئله اجرای مهریه دامن می‌زند.

برجسته‌ترین تأثیر مداخلات محوری در زندگی زنان درگیر با مسئله اجرای مهریه، تقلیل نقش فرد در زندگی و تأثیرپذیری از گفته و نظر دیگران است که باعث می‌شود زنان به زندگی زناشویی خود پایان دهند و مهریه خود را به اجرا بگذارند:

«... خانواده‌ام در مسیر زندگی، خیلی من را حمایت کردند و حتی همسر من را حمایت کردند و از همه نظر سعی می‌کردند همسر من را راهنمایی کنند و معنا و مفهوم زندگی مشترک را یادش بدهند؛ اما خانواده همسر خیلی در زندگی من دخالت می‌کردند و همسر خیلی با من سرد رفتار می‌کرد و در نهایت مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم» (پاسخگوی شانزدهم)

«... دوستانم خیلی هاشون می‌گفتن مهریه‌ات را بگیر، ولی برخی دیگه می‌گفتن طلاق را بگیر و بهش محل نده! می‌گفتن آدمی که هیچی نداره، چطور می‌خواد دو تا زن را تأمین کنه؟ منم به حرفشون گوش دادم...» (پاسخگوی بیست و دوم)

#### ۴-۳-۲. تبعیض قانونی

با توجه به گزاره‌های بیان شده توسط زنان درگیر با مسئله مهریه، اصلاح و تجدیدنظر در قانون الزامی است و یکی از خواسته‌های اغلب این زنان، اصلاح قوانین برای حل و فصل مسائل مهریه است. آنان احساس می‌کنند قانون به سود مردان است و در این میان زنان متضرر شده‌اند و شرایط زندگی برای آن‌ها سخت‌تر شده است.

آنان معتقدند دولت باید از آن‌ها بیشتر حمایت کند، قوانین را در این زمینه اصلاح نماید و با چالاک‌ی بیشتری به وضعیت این زنان رسیدگی کند. مهم‌تر از همه، تکلیفشان را درباره دریافت مهریه بدانند، زیرا پشتوانه مالی آنان است و افزایش آگاهی کارگزاران دولتی در این زمینه، سبب می‌شود آن‌ها در

برابر آسیب‌های روانی-جسمانی برآمده از طلاق محفوظ بمانند. به دیگر سخن، آنان به دنبال حقوق انسانی خود هستند که احساس می‌کنند مدت زمانی در زندگی با طرف مقابل به هدررفته است:

«... قانون که کاش پیگیری می‌کرد و حمایت می‌کرد! یا باید باج بدی یا باید بلا تکلیف بمونی مثل من که دو ساله درگیرم و هنوز هیچی مشخص نیست. چند باری پیش قاضی و دادگستری رفتم، ولی جواب‌های نامعقول شنیدم که یا با شوهرم زندگی کنم و بسازم یا بچه‌ها رو بدم بهزیستی و دنبال مهریه بدوم و این واقعاً تأسف برانگیزه. آخه مهریه حقه منه، چرا نباید بگیرم...» (پاسخگوی بیست و ششم)

«قانون از حق زنان برای گرفتن مهریه حمایت نمی‌کند و ما متضرر می‌شیم؛ نه می‌شه حقت رو بگیرم و نه راحت به زندگیت ادامه بدی...» (پاسخگوی هشتم)

### ۴-۳-۳. فرهنگ مردسالار

یکی از راهکارهای بیان شده از سوی زنان درگیر با مسئله مهریه، اصلاح فرهنگ مردسالار در جامعه است. به باور ایشان، زنان جامعه در گرفتن حق خود (مهریه)، با دشواری‌های پرشماری از مسائل قانونی گرفته تا مسائل خانوادگی مواجه‌اند و همواره حق آنان در این موضوع زیر سایه فرهنگ مردسالار جامعه پایمال می‌شود.

آنان معتقد بودند جامعه به زنان و مسائل مرتبط با آنان توجه درخور ندارد و زنان و روحیات آنان از سوی مردان درک نمی‌شود. همچنین نگاه به آنان در زندگی زناشویی، به‌عنوان جنس دوم است؛ در نتیجه، آگاهی افراد جامعه در زمینه اجرای مهریه باید ارتقا یابد:

«... همه قوانین به نفع مرد هست؛ حق طلاق با مرده، یعنی بدون هیچ دلیلی می‌تونه زنش رو طلاق بده. حق مسکن، خروج از منزل، حق تحصیل، همه چی با مرده! می‌تونه تو خونه زندانیت کنه و هیچ حقی نداشته باشی، مثل اتفاقاتی که برام افتاد...» (پاسخگوی ششم)

«...جامعه دیدی داره که زن در کنار مرد نمی‌تونه حرفی برا گفتن داشته باشه و دید دیگران بهش فرق می‌کنه؛ در صورتی همین‌طور که مرد می‌تونه هر جا بره، زنم باید بتونه و بتونه راحت تو هر محیطی رفت و آمد کنه و دنبال حقش باشه، ولی توی جامعه ما حق با مرده‌است همیشه و اونا نیازی به اجازه ما زنا ندارن و هر کار می‌خوان می‌کنن...» (پاسخگوی ششم)

### ۴-۳-۴. فرصت‌سوزی و تنبه

با توجه به شرایط نامناسب زندگی زناشویی، زنان بیان کردند که در ابتدا زندگی خود را با تفاهم متقابل آغاز کرده‌اند؛ اما به تدریج مسائل و مشکلات زندگی (مانند بی‌تفاوتی جنسی، ابراز بی‌علاقگی، خیانت همسر، بیکاری، اعتیاد، دخالت‌های ناپسندیده)، باعث شده این دل‌بستگی و توجه کاهش یابد و جای خود را به بی‌تفاوتی دهد.

تداوم این روند باعث تقویت اندیشه طلاق و به اجرا گذاشتن مهریه خویش شده است. مهم‌ترین دلیل آنان، جبران زندگی و عمر از دست رفته بوده که برای یک فرد نالایق هزینه شده است و آن فرد باید بتواند فرصت‌های سوخته زندگی بپردازد؛ زیرا فرصت‌های پیشرفت را از همسر خود دریغ کرده است. آنان بازگو کردند تمام تلاش خود را برای نگهداشت زندگی انجام داده‌اند و استفاده از ابزار و تلنگر مادی مهریه، به منظور متنبه کردن او برای بازگشت به زندگی و یا سرانجام جدائی بوده است:

«... بیشترین انگیزه‌ام از این‌که مهریه رو اجرا گذاشتم، آینه که شوهرم تنبیه بشه، بترسه و آدم بشه؛ چون خیلی من رو اذیت کرده با خیانت‌هاش، بی‌کاریش، دروغ‌گویی‌هاش! من می‌خوام تاوان روزهایی که از دست دادم رو ازش بگیرم و فکر نکنه که خیلی زرنکه» (پاسخگوی بیست و پنجم)

«... انگیزه من از اجرای مهریه، این بود که شوهرم را اذیت کنم. چک بی محل کشید، فرار کرد. فعلاً می‌خوام اذیتش کنم و مزه کاره‌اش رو با اجرای مهریه و زندانی کردنش بهش بچشونم...»  
پاسخگوی سیزدهم

#### ۴-۴. راهبردهای کنش

##### ۴-۴-۱. کنش سازگاران

با توجه به اظهارات تعدادی از زنان مصاحبه شده، استفاده از مهریه در واقع راهکار سطحی آنان برای برگرداندن همسر به زندگی مشترک است. به بیان دیگر، قصد آنان ترساندن همسرشان بوده است و جدایی مدنظرشان نیست. در نتیجه، کنش سازگاران را انتخاب کرده‌اند؛ چه به صورت مستقیم و این‌که به همسر خود بگویند که زندگی مشترک خود را به هم نزنند و مشکلات را با تفاهم متقابل حل کنند و چه این‌که از طرف خانواده و اقوام، بین آنان آشتی صورت بگیرد. بدین ترتیب، آنان خواستار حفظ زندگی خود بودند و از خانواده خود و خانواده همسر خود برای رفع کدورت‌ها و مشکلات کمک می‌خواستند:

«... همه گفتن مهریه‌ات رو اجرا بذار، پرونده داشته باشی. الانم پرونده نفقه و مهریه دارم. فعلاً هدفم آینه که بترسه و بدون پاش گیر هست و باید اینا رو بده. امیدوارم دست از لجبازی برداره و برگردیم به زندگیمون...» (پاسخگوی دوم)

##### ۴-۴-۲. کنش تخریب‌گرا

اظهارات تعدادی از زنان طرف گفت‌وگو، نشانگر اتخاذ راهکار تغییر احساسات درونی به منظور رسیدن به نتیجه دلخواه (همان طلاق و رهایی از این زندگی)، بوده است. در حقیقت استراتژی و راهبرد آنان، در پیش گرفتن کنش تخریب‌گرا و از هم پاشیدن زندگی مشترک و گرفتن مهریه و به تعبیری استفاده از مهریه برای تسریع در امر طلاق است تا هر چه سریع‌تر از این مشکل رهایی یابند.

آنان می‌خواهند زندگی جدیدی را شروع کنند و به زندگی با همسر خویش فکر نمی‌کنند، به همین دلیل حمایت‌ها و کمک بزرگ‌ترها راهگشا نیست:

«... خودم و دخترام باهم زندگی می‌کنیم، کاری هم به اون نداریم، دیگه مهرش از دلم رفته، بودونبودش فرقی نداره. احتمالاً همین چند وقت حکم طلاقم صادر می‌شه و ازش جدا می‌شم. اون هیچ وقت مرد خوبی نبود و لایق این بود که تنها زندگی کنه...» (پاسخگوی بیست و سوم)

«من فقط می‌خوام حضانت فرزندم رو به جای مهریه بگیرم و ازش جدا بشم...» (پاسخگوی بیست و پنجم)

#### ۴-۵. پیامدهای کنش

##### ۴-۵-۱. احساس ناخوشایندی

به اجرا گذاشتن مهریه توسط زنان، منشأ تجربیات و احساسات خاصی است که تنها برای کسانی که این موضوع را تجربه کرده‌اند قابل درک است.

زنانی که برای اجرای مهریه اقدام کرده‌اند، احساساتی را در طول این دوران تجربه می‌کنند که به طور معمول ناخوشایند است و مشکلات روحی و روانی متعددی را در پی دارد؛ زیرا روال اجرای مهریه و رفت‌وآمد به دادگاه، بسیار فرسایشی، خسته‌کننده و مستلزم صرف وقت و انرژی زیادی برای تعیین تکلیف مسائل مرتبط با حضانت فرزند، گرفتن حق طلاق، اجرای حکم و... است. بدین ترتیب، این روند احساسات ناخوشایندی چون تنفر از شریک زندگی، افسردگی، استرس و اضطراب را برای آنان ایجاد می‌کند.

«زن تا وقتی مهریه می‌خواد به مشکل داره، بعد از طلاق چند تا مشکل داره، طرد می‌شه، نگاه بد و... و حتی این موضوع در خانواده‌ها دیده می‌شه که می‌گن باید بسازی و بسوزی چون خودت خواستی. واقعاً به خاطر بچه‌هایم دودل هستم. آیا فرزندانم قربانی افکار و احساسات ما شدن؟ بزرگ بشن چه واکنشی نشون می‌دن؟» (پاسخگوی هفتم)

«من همش درگیرم که چی می‌شه و چه اتفاقی میفته، همش دچار استرس و اضطراب هستم، این خیلی بده...» پاسخگوی چهارم

##### ۴-۵-۲. جبران صدمه روحی

جبران صدمه روحی، از مفهوم کلی کسب آرامش و احساسات مثبت درک شده از نتیجه اجرای مهریه و رسیدن به احساس خوشایندی که در پایان امر نصیب تعدادی از افراد مصاحبه‌شونده می‌شود، منتج شده است. آن‌ها بیان داشته‌اند اجرای مهریه پیامدهای مثبت و آرامش روحی و روانی را برای آنان به همراه داشته است. این زنان احساس می‌کنند به حق خود رسیده‌اند و این پول را جبران جوانی

و عمر ازدست رفته خود و تحقیرها و کتک‌هایی که از طرف شریک زندگی بر آن‌ها روا داشته شده است؛ تلقی می‌کنند. به باور ایشان، دریافت مهریه از لحاظ روحی به آنان آرامش می‌بخشد و امید به زندگی را در آنان افزایش می‌دهد؛ همچنین آنان از استرس و اضطراب جدا شدن خلاصی می‌یابند و راحت می‌توانند به ادامه زندگی خود بپردازند:

«... گرفتن مهریه‌ام یعنی مهر و محبت من رو از همسرم بگیرم برای محبت کردن مضاعف به خودم. اون لیاقت مهر و محبت من رو نداشت، باید بیشتر به فکر خودم باشم و وقتی مهریه‌ام رو بگیرم، بچه‌هام رو زیر پر وبال خودم می‌گیرم و باهاشون زندگی جدید و آزادی می‌سازیم و دیگه غم گذشته رو نمی‌خورم» (پاسخگوی هجدهم)

«با گرفتن مهریه حال روحیم خوب می‌شه، چون حقم رو ازش می‌گیرم و این همه آسیب رو که به من زده جبران می‌کنم...» (پاسخگوی نهم)

#### ۶-۴. پدیده: رهایی عامدانه و بازگشت عامدانه

بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری و کشف ۱۳ مقوله اصلی، در مجموع هسته مرکزی «دوگانگی رهایی و بازگشت عامدانه» کشف شد. منظور از دوگانگی رهایی و بازگشت عامدانه زنان، تبعات و پیامدهایی است که معضلات زندگی زناشویی بر زندگی زنان بر جای می‌گذارد و آن‌ها در مرزی میان رهایی و برگشت، سعی دارند حقوق خانوادگی خود را احقاق نمایند. عده‌ای از زنان، با توجه به شرایط نامناسب زندگی زناشویی و با استناد به گزاره «مهرم حلال، جانم آزاد»، صرفاً به گریز از زندگی فعلی می‌اندیشند. آن‌ها به جای مهریه حق حضانت فرزند را انتخاب کرده‌اند و فقدان روحیه «سوختن و ساختن» در آنان مشاهده می‌شود.

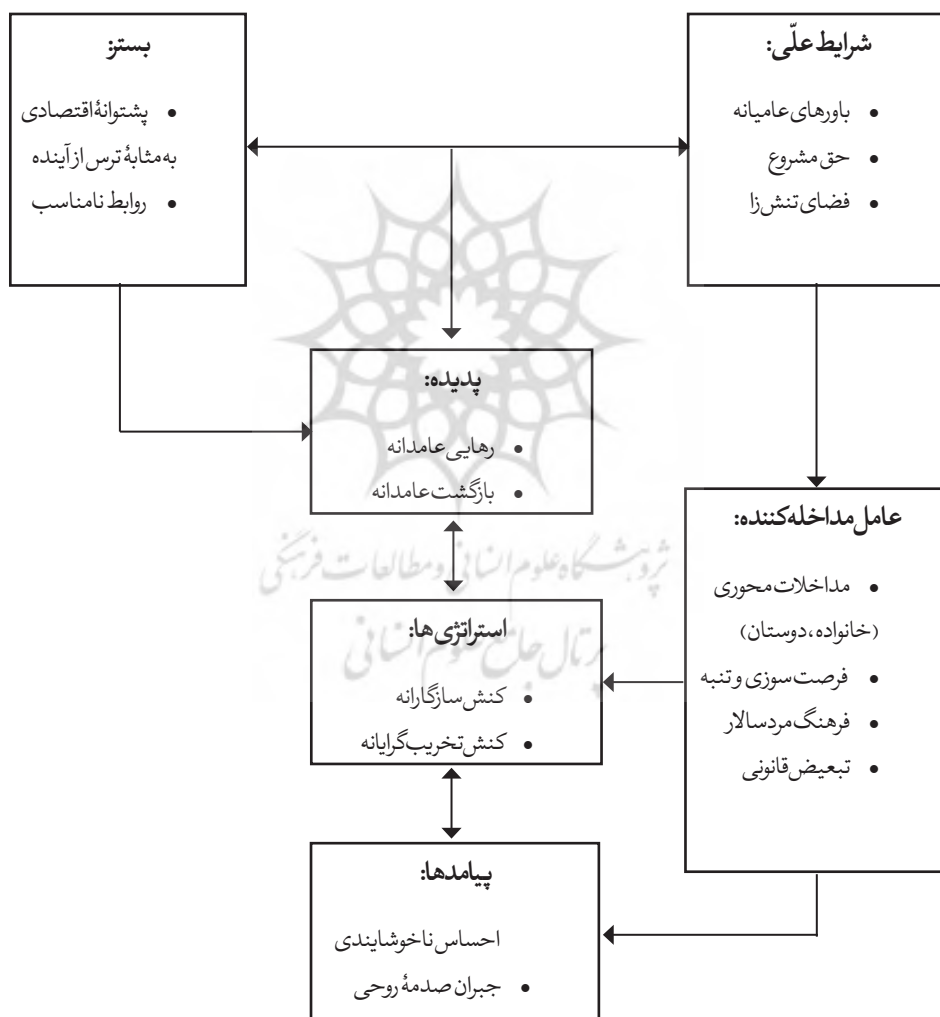
از سوی دیگر، برخی با ابزار مهریه در پی تبدیلی عقلانی و بازگشت به زندگی زناشویی بودند. در واقع همه زنان مورد گفت‌وگو، در دوراهی سازش و تعارض قرار داشتند. فهم آنان از مهریه، به عنوان عاملی است که امکان دادوستد را فراهم می‌کند و فرد از آن برای رسیدن سریع‌تر به مقصود خویش بهره می‌گیرد.

براین اساس، توافقی بین دو طرف در راستای جایگزینی مهریه با حق طلاق، حضانت فرزند یا مقدار توافقی مهریه انجام می‌شود و بدین ترتیب مهریه را می‌توان همچون دادوستد اجتماعی دانست. در روابط زناشویی هنگامی که سود از هزینه بیشتر شود، شخص در روابط احساس خشنودی و رضایت می‌کند؛ اما اگر سود از هزینه کم‌تر شود، مبادله زیان‌آور خواهد بود و باعث ناخشنودی و به احتمال زیاد به هم خوردن رابطه می‌گردد. در روابط نزدیک، افراد انواع گوناگون پاداش‌ها (محبت، حمایت عاطفی، ارضای جنسی، دارایی، موقعیت اجتماعی، جذابیت فیزیکی و غیره) را با یکدیگر مبادله می‌کنند. مبادله «موقعیت بهتر مردان» و «زیبایی زنان»، می‌تواند به ازدواج معنا دهد. اگر این وضعیت نابرابر (موقعیت بالاتر مردان و زیبایی زنان) وجود نداشته باشد، هزینه‌ای که طرفین برای این مبادله می‌پردازند، همسان نخواهد بود و در این صورت طلاق معنا می‌یابد:



«...حقیقتش رو بخواین، فقط می‌خوام شوهرم به زندگی برگرده، می‌خوام دست از اداهاش برداره، من اون رو مثل قبل دوست دارم، حسم بهش تغییر نکرده، فقط می‌خوام به خودش بیاد. امیدوارم خوب بشه برگردیم به زندگی مون. من زندگی مو دوست دارم» (پاسخگوی نوزدهم)

«من همه جذابیت‌ها و همه زندگی مو فدای این آدم کردم، ولی ایشون اصلاً متوجه نشد که باید در قبالش به من توجه کنه! من ازش جدا می‌شم و خودم با آگاهی تصمیم گرفتم» (پاسخگوی یازدهم)



**خط داستان:** با توجه به شرایط کنونی جامعه و ایجاد مشکلات عدیده، زنان متأهلی که در آستانه جدایی و طلاق از شریک زندگی خود هستند بیان می‌دارند که ابتدای زندگی خود را همواره با تفاهم آغاز کرده‌اند؛ اما رفته‌رفته، مسائل و مشکلاتی باعث دوری جسمی و عاطفی از شریک زندگی خود گردیده است. مسائلی مانند خیانت همسر، آزار جسمی و جنسی و... فضای تنش‌زایی را در خانواده حاکم کرده است و این عدم تفاهم باعث رسیدن به مرحله طلاق شده است. همچنین مداخلات خانواده‌های طرفین، لزوم متنبه کردن مرد و تاوان دادن او برای جبران زندگی ازدست‌رفته، باعث شده است زنان وادار به اجرای مهریه خود شوند. این زنان، فرهنگ مردسالار و ضعف قوانین در جامعه را از عواملی می‌دانند که مانع احقاق حق آنان (مهریه) به عنوان یک زن در جامعه می‌گردد. آنان مهریه را حق مشروع خود می‌دانستند و از آن به عنوان پشتوانه اقتصادی یاد می‌کردند که بعد از جدایی تکیه‌گاه مالی ایشان است و در واقع برای آنان امنیت روانی به وجود می‌آورد. برخی نیز مهریه را ایجادکننده نوعی کنترل اجتماعی می‌دانند که شاید بتواند مردان را به زندگی متعهد کند و بازگرداند.

زنان مصاحبه‌شونده برای گرفتن مهریه بیان می‌دارند که قوانین جامعه باید به نفع زنان تغییر یابد و فرهنگ سازی صورت بگیرد تا بتوانند حقشان را بگیرند. آنان با درپیش گرفتن نوعی «رهایی عامدانه و بازگشت عامدانه»، بر سر «دوراهی سازش و تعارض» در نوسان بودند؛ قصد برخی از کشاندن همسر خود به دادگاه، گرفتن مهریه نبود؛ بلکه می‌خواستند از همسر خود برای ادامه زندگی و رفتار مناسب تعهد بگیرند و در مجموع کنش آنان از نوع سازگارانه بود. برخی نیز کنش تخریب‌گرایانه داشتند و با استناد به رفتار بسیار بد همسرشان با آنان و اصرار بر تاوان دادن وی، به هیچ عنوان قصد رجوع و بازگشت نداشتند. هدف این قشر، گرفتن انتقام، دستیابی به حق خود یا به دست آوردن حضانت فرزندانشان در مقابل مهریه بوده است.

درنهایت، مسئله طلاق و گرفتن مهریه پیامدهای منفی و مثبتی بر زنان داشته است؛ جبران صدمات روحی وارد شده از سوی همسر، ایجاد آرامش روحی و کم‌رنگ کردن حس انتقام، از جمله جنبه‌های مثبت این اقدام و احساس ناخوشایند ناشی از روند فرسایشی گرفتن مهریه و جدایی، بُعد منفی آن است.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهریه، واقعیتی خانوادگی است که در میدان خانوادگی ساخت می‌یابد و ارزش مفهومی خود را از روابط تنش‌زا و سازگارانه زندگی مشترک زن و مرد کسب می‌کند که با افزایش تنش‌های زناشویی به عرصه کشمکش و تعارض مبدل می‌شود. بر همین مبنا، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی چالش‌ها و کشاکش فراوان ناشی از اجرای مهریه از سوی زنان و درصدد رصد این دو پرسش بود که آیا اجرای مهریه ابزار زیاده‌طلبی و مادی‌گرایی زنان است و یا بنا به ادعای برخی دیگر آن را باید عامل رهایی و استقلال فردی زنان از زندگی تنش‌آمیز تلقی نمود؟ از این رو برای واکاوی و ارزیابی این دو رویکرد، به زنان اجراکننده مهریه در دادگاه شهر بابک مراجعه شد.

پدیده پژوهش، «رهایی عامدانه و بازگشت عامدانه» بود که از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید. زنان مصاحبه‌شونده دو دسته بودند؛ گروه نخست بیان داشتند که هدفشان از به‌اجرا گذاشتن مهریه، حفظ زندگی مشترک است و به خاطر بی‌محلی‌های همسرشان و بی‌تفاوتی‌های وی به خانواده، بنا داشته‌اند وی را متنبه کنند تا از ترس پرداخت مهریه به زندگی زناشویی بازگردد. به ادعای گروه دوم، همسرشان آنان را آزار بسیار داده و با اعتیاد، دخالت ناپجا، خیانت، بیکاری و...، آرامش در زندگی مشترک را برهم زده است. خواسته این گروه، انتقام از همسر خویش با گرفتن مهریه بود تا پشتوانه‌ای مالی و اقتصادی برای خود و فرزندانشان داشته باشند. برخی نیز به جای دریافت مهریه، به دست آوردن حضانت فرزندانشان را هدف قرار دادند تا زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای را با فرزندان خود تجربه کنند.

این یافته‌ها با نظریه مبادله که بیان می‌کند در مبادله کالاها هر یک از دو طرف در پی کسب سود بیشتر با هزینه کمتر است، هم‌خوانی دارد. در روابط شخصی مانند روابط زن و شوهر نیز وضع از این قرار است. به محض آن‌که سود از هزینه بیشتر شود، شخص در روابط خود با دیگران احساس خوشنودی و آرامش می‌کند؛ اما اگر سود از هزینه کمتر شود، مبادله زیان‌آور خواهد بود و باعث ناخشنودی و احتمال زیاد به هم خوردن رابطه می‌گردد. مهریه، هدیه‌ای است که مرد به صورت الزامی در ازدواج به زن می‌پردازد تا مهر و محبت وی را به دست آورد. زنان بیان داشتند که همسرشان هر صحبتی را در زندگی زناشویی به دعوا بدل می‌کند و این مشاجره به کتک‌کاری ختم می‌شود و در واقع تفاهم ارتباطی را یاد نگرفته‌اند. همان‌طور که هابرماس بیان می‌کند، در کنش ارتباطی، کنش‌های افراد درگیر نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه موفقیت، بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ می‌شود. در کنش ارتباطی، رسیدن به «فهم» امری اساسی است و زبان وسیله‌ای برای رسیدن به فهم است و اگر کنش ارتباطی درست انجام گیرد، مشکلات تعاملی رفع می‌گردد.

همچنین بر پایه نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این رویکرد، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف و برپا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. این افراد آگاه و خودمختار و هدفمند، در هر شرایطی به دنبال بیشینه‌کردن سود خود هستند. در زندگی مشترک نیز اگر هر کس به دنبال سود شخصی خویش باشد و به نیازها و تمایلات طرف مقابل توجه نکند، زندگی زناشویی از هم فرومی‌پاشد. به‌اجرا گذاشتن مهریه، تبعات زیادی هم برای جامعه و هم برای خانواده‌ها به همراه دارد و افزون بر گسست زندگی زناشویی، فرزندان زیادی را تک‌والد می‌کند، روابط مردان و زنان و خانواده‌های آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مردانی که باید نان‌آور خانواده باشند را روانه زندان می‌کند و نهایتاً زنان را با آسیب‌های اجتماعی مواجه می‌سازد.

زنان مراجعه‌کننده به دادگاه، مهریه را حق مشروع خود تلقی و از آن به‌عنوان پشتوانه مالی برای خود یاد می‌کردند که در هنگام تنهایی، تأمین‌کننده معاش ایشان است. همچنین بیان می‌داشتند که مردان اوایل زندگی مهریه را با میل و رغبت پذیرفته‌اند و باید آن را بپردازند. با توجه به نتایج پژوهش، باورهای عامیانه، حق مشروع و فضای تنش‌زا از شرایط علی بروز پدیده به‌اجرا گذاشتن مهریه در زنان

بوده است. پشتوانه اقتصادی، ترس از آینده و خلأ تعاملی نیز شرایط زمینه‌ای پدیده را ایجاد کردند و مداخلات محوری (خانواده، دوستان)، فرصت‌سوزی و تنبه، فرهنگ مردسالار، تبعیض قانونی از عوامل مداخله‌کننده بودند که به‌طور غیرمستقیم بر به‌اجرا گذاشتن مهریه توسط زنان تأثیرگذار بودند. کنش سازگاران و کنش تخریب‌گرایانه، از راهبردهایی مورد استفاده این زنان بوده است؛ به این معنا که آنان با به‌اجرا گذاشتن مهریه، یا قصد نجات زندگی خویش را داشتند و می‌خواستند همسرشان به زندگی بازگردد؛ یا این‌که می‌خواستند خود را از زندگی زناشویی‌های بی‌بخشند و از همسر خویش جدا شوند و با دریافت مهریه، برای ادامه زندگی خویش پشتوانه اقتصادی پیدا کنند؛ یا این‌که با بخشش مهریه، حضانت فرزندان را برعهده بگیرند.

اقدام برای دریافت مهریه، پیامدهایی از جمله مشکلات تعاملی، احساس ناخوشایندی و جبران صدمه روحی برای این زنان در پی بردارد. به این معنا که بعد از طلاق و گرفتن مهریه، روابط اجتماعی آنان کاهش می‌یابد و نگرش دیگران احساس ناخوشایندی در آنان ایجاد می‌کند. همچنین جبران صدمات روحی و جسمی و عمر از دست‌رفته، از پیامدهای مثبت دریافت مهریه است؛ آنان همسر خویش را متنبه می‌کنند و از وی تاوان می‌گیرند و در قبال مهریه رویکردی مسئولانه دارند که آن را درست و در راستای اهداف زندگی خویش مصرف کنند و در زندگی استقلال مالی داشته باشند. این نتایج، با یافته‌های قلی‌زاده و غفاریان (۱۳۹۵)، توسلی و همکاران (۱۳۹۳)، یانگ و هاسان (۲۰۱۸)، گالزار و همکاران (۲۰۱۲)، آماتو و پرویتی (۲۰۰۳) همسو بوده است.

در نهایت، در راستای نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- افزایش دوره‌های مشاوره قبل و بعد از ازدواج به منظور آموزش نحوه صحیح انتخاب همسر، بهبود وظایف زناشویی و تبیین کارکرد مهریه (این که دختران یاد بگیرند مهریه سنگین ضامن خوشبختی آنان نیست و پسران نیز یاد بگیرند که مهریه حق زنان و عندالمطالبه است و اگر توان پرداخت آن را ندارند، از ابتدا تعهد نکنند)؛
- تهیه بسته‌های آموزشی راه‌های تداوم زناشویی، انعطاف رفتاری و هویتی و کنش ارتباطی و نشر عمومی آن (آموزش حل مشکلات از طریق تفاهم ارتباطی)؛
- آگاهی‌رسانی عمومی در حوزه خانواده و تلطیف وظایف زناشویی؛
- افزایش و تقویت نهادها و انجمن‌های جامعه‌محور با عنوان حمایت از تحکیم خانواده در راستای ارتقای مهارت‌های زندگی پس از ازدواج؛
- تولید برنامه‌های رسانه‌ای مختلف به منظور آگاهی‌بخشی و بالابردن دانش زندگی مشترک در حوزه تعاملات زناشویی.

## منابع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت‌ام. (۲۰۱۱). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی (۱۳۹۰). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- توسلی، افسانه؛ فولادی، لیلا و امان‌اللهی، مینا (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی نگرش به مهریه در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۲، شماره ۴: ۶۸-۴۳.
- سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ رثوف، احمد (۱۳۸۸). بررسی ابعاد اجتماعی و جمعیتی وضعیت مهریه در ایران (مطالعه موردی: شهر تهران). جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره ۳: ۱۷۸-۱۴۶.
- سفیری، خدیجه؛ دادهیر، ابوعلی و اردکانی، طالبی (۱۳۸۸). برساخت اجتماعی و فرهنگی مسئله اجرای مهریه در ایران: مطالعه‌ای کیفی؛ انگیزه‌های زنان شیرازی از به اجرا گذاردن مهریه‌های خود. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۴۴: ۱۲۱-۸۹.
- قلی‌زاده، آذر؛ غفاریان، سحر (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن. فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال ۲، شماره ۱: ۱۴۰-۱۲۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). عقود معین. تهران: اسلامیه.
- مقدس، علی اصغر؛ اسلام، علی‌رضا (۱۳۸۵). کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آراء مایکل هکتر. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳، شماره ۱: ۲۱۱-۱۷۵.
- موسوی، فاطمه (۱۳۹۱). نقش عملکرد خانواده در پیش‌بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده‌های شهر قزوین. مشاوره روان‌درمانی خانواده، سال ۳، شماره ۳: ۴۱۸-۴۰۱.
- موحد، مجید؛ عزیزی، طاهره (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲: ۱۹۴-۱۷۱.
- هواخواه وطن‌خانکندی، منصور (۱۳۹۴). بررسی مهریه‌های نامعقول و تأثیر آن بر روابط زوجین با نگرشی بر رویه دادگاه‌های ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.
- Anderson, S. (2007). The economics of dowry and brideprice. *Journal of Economic Perspectives*, 21(4), 151-174. <https://doi.org/10.1257/jep.21.4.151>.
- Amato, P. R., & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of family issues*, 24(5), 602-626. <https://doi.org/10.1177/0192513X03254507>.
- Doherty, W. H. (2015). How common is divorce and what are the reasons. Should I keep trying to work it out, 41-63.
- Giddens, A. (2003). *Runaway world: How globalization is reshaping our lives*. Taylor & Francis.
- Hansson, M., & Ahlberg, T. (2016). Factors contributing to separation/divorce in parents of small children in Sweden. *Nordic Psychology*, 68(1), 40-57. <https://doi.org/10.1080/19012276.2015.1071201>.
- Palkar, V. (2003). Failing gender justice in anti-dowry law. *South Asia Research*, 23(2), 181-200. <https://doi.org/10.1177/0262728003232005>.
- Young, K. A., & Hassan, S. (2018). An assessment of the prevalence, perceived significance, and response to dowry solicitation and domestic violence in Bangladesh. *Journal of interpersonal violence*, 33(19), 2968-3000. <https://doi.org/10.1177/0886260516633217>.
- <https://www.yjc.ir/fa/news>.